



خیزش خشمگینانه مردم مبارز اهواز علیه

سرکوبگری های جمهوری اسلامی!

در ۱۹ آبان (۱۳۹۸) خشم فرو خفته مردم مبارز اهواز یک بار دیگر و این بار با مرگ مشکوک شاعر جوان عرب به نام حسن حیدری، خیابان های این شهر را به آتش کشید. مردم اهواز و به خصوص توده های یکی از فقیرترین و در عین حال مبارزترین محلات این شهر یعنی کوت عبدالله، با اطمینان از این که آن شاعر جوان توسط اطلاعاتی های رژیم جمهوری اسلامی به قتل رسیده است، با برافروختن آتش و با انداختن درخت های نخل و با هر چه می توانستند جاده های اصلی شهر را بستند. به گزارش خبرگزاری ها، حسن حیدری همواره مورد اذیت و آزار و تهدید های وزارت اطلاعات قرار داشت و یک بار نیز در سال ۱۳۹۷، بازداشت و بعد از مدتی آزاد شده بود. از بستگان این شاعر جوان نقل می شود که: "در ابتداء حسن حس کرد که مسموم شده، نصف شب او را به بیمارستان منتقل کردیم و در همان لحظات اولیه پرستاران سعی کردند به او کمک کنند؛ اما بامداد امروز دچار تشنج شد... به ما گفتند در اثر تسمم سکنه گرفت و جان خود را از دست داد". همچنین بستگان وی تأکید می کنند که "حسن از سلامت خوبی برخوردار بود و جوان تنومند و سالمی بود و از هیچگونه بیماری یا مشکلات قلبی که سبب سکنه می شوند، رنج نمی برد."

علیرغم این که تجمع شبانه مردم در ۱۹ آبان ۱۳۹۸ مورد هجوم نیروهای انتظامی رژیم قرار گرفت، با این حال مردم اهواز در روز ۲۰ آبان نیز با حضور در خیابان ها دست به تظاهرات زدند که گسترده تر از روز قبل بود. در این تظاهرات توده های مبارز و پر خشم و کین، با سر دادن شعار به زبان عربی و "یزله خوانی" خشمگینانه که در فرهنگ عزاداری خلق عرب مرسوم است، کینه و نفرت به حق خود را از رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی ابراز داشتند. در جریان این تظاهرات پرچم های جمهوری اسلامی در میان شور و خشم انقلابی توده ها به زیر کشیده شدند.

به پا خاستن کنونی توده های تحت ظلم و ستم اهواز در حالی است که در چند کیلومتری آنان شعله های مبارزات توده های جان به لب رسیده عراق علیه آمریکا و مزدورانش، هر روز شعله ورت و سرکش تر می گردد و توده های عراقی به خصوص در شهرهای جنوبی، مستقیماً با نیروهای وابسته به رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی دست به نبرد سلحشورانه زده و بنرها و آثار این رژیم منفور توده های خاورمیانه را پاره کرده و می سوزانند. این واقعیت، رژیم حاکم بر ایران را بیش از پیش در ارتباط با انفجار خشم توده های تحت ستم اهواز، دچار خوف و هراس شدیدی ساخته است. به همین خاطر، دست اندرکاران این رژیم خود را مجبور می بینند با اعمال خشونت هرچه شدیدتری، فریاد مبارزاتی این توده های دلاور را هر چه زودتر در نطفه خفه سازند.

شکی نیست که مرگ مشکوک حسن حیدری در شرایطی موجب چنین برخوردهای خشمگینانه و انقلابی مردم اهواز گشته که این توده ها و به خصوص توده های مبارز عرب تحت شدیدترین فشارها ناشی از فقر و فلاکت و سرکوب و دیکتاتوری قرار دارند. باید روی این واقعیت تأکید کرد که تحت سلطه جمهوری اسلامی، عرب زدائی حتی بیشتر از دوران رضا شاه که بانی شوینیسیم و ایجاد تفرقه و نفرت مابین ملیت های تشکیل دهنده ایران بود، رواج یافته و امروز به خصوص خلق عرب بیش از هر وقت دیگر شدیداً متحمل ستم ملی است. این امر موجب گشته که این خلق به درستی به دفاع از حق انسانی و هویت خود برخیزد. در چنین شرایطی است که

جمهوری اسلامی هر حرکت حق طلبانه مردم مبارز اهواز و خوزستان و خلق عرب این منطقه را به ایادی بیگانه و به خصوص به عربستان نسبت می دهد.

هر زمان توده های عرب برای تحقق خواست های برحق خویش و از جمله رهائی از ستم ملی به پا خاسته اند جمهوری اسلامی بلافاصله آن ها را به جدائی طلبی متهم نموده است. شکی نیست که در این میان دولت های همچون عربستان در رقابت هایشان با جمهوری اسلامی هم می کوشند در میان توده های تحت ستم دیکتاتوری ضد مردمی حاکم برای خود جا پایی باز کنند و چه بسا که افرادی نیز از روی ناآگاهی در این میان پرچمی بلند کنند که مفهوم جدائی طلبی بدهد. ولی واقعیت این است که آن چه توده های تحت ستم را علیرغم آگاهی به سرکوب های وحشیانه رژیم به خیابان می کشاند شرایط ظالمانه اقتصادی و سیاسی است. آن ها به میدان مبارزه پا می گذارند تا بتوانند به زندگی بدون فقر و فلاکت و ستم و استثمار و به نان، کار و آزادی و از جمله آزادی و رهائی از ستم ملی دست یابند. اما رژیم و همه دشمنان مردم ما با رسانه هایشان، توده های به پا خاسته - چه عرب باشند، چه تُرک و گُرد و غیره - را به تجزیه طلبی متهم نموده و از این طریق می کوشند در اتحاد خلق های تحت ستم شکاف اندازند. آن ها با کوشش در محروم کردن یک خلق به پا خاسته از پشتیبانی دیگر خلق های ایران و با ایجاد وحشت از تجزیه کشور و یا بقول خودشان "بالکانیزه" شدن ایران سعی دارند هر خلق به پا خاسته را جداگانه سرکوب و منزوی سازند.

در تقابل با دسیسه چینی های ارتجاع برای تفرقه افکنی بین توده های تحت ستم ایران، وظیفه نیرو های انقلابی و پیشرو تاکید بر ضرورت اتحاد کارگران و خلقهای تحت ستم جهت نابودی جمهوری اسلامی و رسیدن به آزادی و دمکراسی می باشد. اتفاقا شرط رسیدن به حق تعیین سرنوشت خلق های تحت ستم ما همانا برقراری یک شرایط آزاد و دمکراتیک می باشد که این نیز تنها با اتحاد مبارزاتی کارگران و ستمدیدگان و خلق های تحت ستم در سراسر کشور به دست می آید.

چریکهای فدایی خلق ایران ضمن حمایت و پشتیبانی از مبارزات برحق خلق عرب و همه مردم اهواز با تاکید بر ضرورت اتحاد همه ستمدیدگان ، جهت نابودی جمهوری اسلامی و اربابان امپریالیستش، خلق عرب خوزستان را به اتحاد هر چه فشرده تر با دیگر خلق های تحت ستم ایران فرا می خوانند.

برقرار باد اتحاد تمام نیرو های انقلابی و تمام خلق های سراسر جهان

نابود باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی

چریکهای فدایی خلق ایران

۲۱ آبان ۱۳۹۸ - ۱۲ نوامبر ۲۰۱۹